

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ فبروری ۲۰۱۸

تکرار یک تکتیک رسوا

یکشنبه- ۰۶ حوت ۱۳۹۶- کابل: از طریق رسانه ها مطلع شدیم که یک تن از جنایتکاران بنام "جمعیت اسلامی" موسوم به قومندان "گل افغان" که فعلاً مقام بس بالائی نزد "عبدالله" داشت، حدود ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه شام دیروز در حوالی کوتل خیرخانه ترور شد. طبق معمول طالبان هم بسیار زود مسؤولیت آن را به عهده گرفتند. این خبر از چند جهت نمی تواند قابل توجه نباشد:

۱- "گل افغان" که تقریباً ۴۴ سال عمر و در واقع به نسل ما تعلق داشت، از جمع آنهایی بود که از همان آغاز بنا بر روابط خصمانه فامیلی با افراد نظامی حزب "گلبدین" یعنی قومندان "کریم" و خانواده اش، با "جمعیت اسلامی" در ارتباط قرار گرفته به موازات پخش نفوذ "جمعیت اسلامی" بین اقوام پشتون ساکن در ولسوالی قره باغ ولایت کابل، به مثابه خار چشم نزد "حزب گلبدین" و بعد ها "طالبان" در آمده وی را به خاطر منافع شخصی و خانوادگی متهم به خیانت به قوم پشتون می نمودند.

۲- "گلبدین" که حتا قبل از اعلام تسلیمی علنی اش به دولت، تقریباً تمام نفوذش را بین آن عده از افرادی که متعلق به قوم پشتون نبودند، در تمام افغانستان به خصوص کوهدامن زمین از دست داده و آنها در عمل و به صورت رسمی در خدمت "جمعیت اسلامی" قرار گرفته اند، برای آغاز فعالیت مجدد، به ناگزیر می باید تمام توجهش را به ایجاد نفاق قومی به خصوص بین پشتونها با سایر اقوام نموده، به بهانه حمایت از پشتونها و نمایندگی از آنها به جذب و جمع افراد بپردازد. کاری که در هر منطقه افغانستان مخالفان بالقوه و بالفعل پشتونهای غیر حزبی همان محل را به دنبال خواهد داشت.

۳- قومندان "گل افغان" در منطقه قره باغ یکی از موانع نفوذ و گسترش کار "گلبدین" به شمار می رفت. لذا اولین کسی که به مثابه قاتل و یا آمر قاتل می باید مورد توجه قرار گیرد، شخص "گلبدین" است. اکنون با محاسباتی که در محل وجود دارد حزب "گلبدین" آزاده قادر خواهد شد تا مجدداً به کوهدامن و قره باغ رفته، به نفاق و برادر کشی به مانند گذشته ها دامن بزند.

۴- نکته دیگری که نباید در قتل "گل افغان" نادیده ماند، نقش بخش های مختلف "باندارگ" در قتل "گل افغان" می باشد، چنانچه:

الف- بعد از ناکامی مذاکرات بین "عبدالله" و "غنی" بر روی توزیع شناسنامه های برقی که تعلیق و تصحیح آن از جانب "غنی" به شرط پذیرش برطرفی والی سمنگان از جانب "عبدالله" و "ربانی" تعهد شده بود و "غنی" مثل همیشه به عهد خود وفا ننموده در نتیجه بین وی و "عبدالله" اختلاف اوج گرفت تا جایی که "عبدالله" اظهارداشت براساس حق ۵۰-۵۰ وی نیز در قصر خودش ضمن صدور فرمانی تذکره مطابق میل خود توزیع خواهد نمود، این قتل سیاسی می تواند هوشداری باشد به "عبدالله" که عفریت مرگ توسط "مهمانان رئیس" تا دم خانه اش رسیده، اگر خیره سری نشان دهد، داخل خانه اش نیز خواهد شد.

ب- تا جایی که مستقیماً از زبان "گل افغان" شنیده شده، وی وفاداری خود را به "ربانی" و "عطاء" اعلام داشته، صریحاً گفته بود که "غنی" و "عبدالله" به هزاران خانواده پشتون را به تیغ جلادان حزب "گلبدین" خواهند سپرد. بدین صورت قتل وی می تواند باز هم از جانب "باندارگ" به شمول "عبدالله" جهت تضعیف موقعیت "عطاء" صورت گرفته باشد.

۵- تا جایی که از بررسی قتل های زنجیره ئی افراد نظامی مقتدر در جریان ۱۶ سال اخیر بر می آید، یکی از تکنیک های تصفیۀ قومی، حزبی و رقابت های خانوادگی، ترور افراد مورد نظر در شهر کابل است، زیرا خلاف محل بودوباش اصلی که در معیت ده ها بادیگارد حرکت می نمایند، در شهر کابل تقریباً بی دفاع می باشند. از این رو گفته می توانیم که "گل افغان" نه فرد اول بود و نه آخر باقی می ماند، باید منتظر ماند و...

دیده شود چه می شود!!